

## تاثیر فضاهای فرهنگی بر ارتقای تعاملات اجتماعی با رویکرد حس تعلق خاطر به مکان، (مطالعه موردی: طراحی موزه ایران باستان)

### ۱. مائده امیری رسکتی\*، ۲. شهلا صیادیان

۱. گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران، (Email: [Ma-amiri@tvu.ac.ir](mailto:Ma-amiri@tvu.ac.ir))

۲. دانشجوی کارشناسی، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران، (Email: [Shahla.sayadi75@gmail.com](mailto:Shahla.sayadi75@gmail.com))

### - چکیده

فضاهای عمومی، به عنوان محلی برای ارتباطات جمعی و تعاملات اجتماعی، از گذشته تا کنون مورد توجه بوده‌اند. تعاملات اجتماعی ایجاد شده در این فضاها، علاوه بر تقویت پایداری اجتماعی، ارتقای فرهنگی جامعه را نیز در پی دارد. از طرفی، فضاهای فرهنگی و موزه‌ها که خود، محلی برای نمایش تاریخ و فرهنگ یک ملت می‌باشند می‌بایست؛ به گونه‌ای طراحی شوند که تعاملات اجتماعی را افزایش داده، و ارتقای دو عامل فرهنگی و اجتماعی در آن‌ها به شکل ویژه‌تری اتفاق افتد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر فضاهای فرهنگی و موزه‌ها بر ارتقای تعاملات اجتماعی، با ایجاد حس تعلق خاطر به مکان می‌باشد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و جمع-آوری اطلاعات آن، از مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، بررسی پژوهش‌های پیشین انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که؛ با طراحی مناسب معماری موزه‌ها بر اساس عملکرد آن‌ها می‌توان علاوه بر ارتقای تعاملات اجتماعی ناشی از طراحی یک فضای جمع‌گرا؛ بر اساس نشانه‌های دریافتی از ناخودآگاه جمعی و درک درست از مشخصات آن دوره زمانی، حس تعلق خاطر افراد را به حضور در این موزه‌ها افزایش داد. در این پژوهش طراحی موزه ایران باستان، با تاکید بر شیوه پارسی، و ویژگی‌های معماری دوران هخامنشی مدنظر می‌باشد. روند طراحی فضا به گونه‌ای است که بنای ایجاد شده نمودی از ساختمان‌های دوران هخامنشی بوده و در عین حال، اطلاعاتی از تاریخ و فرهنگ این دوره‌ی درخشان از کشورمان را در خود به نمایش می‌گذارد.

**واژگان کلیدی:** فضاهای فرهنگی، تعاملات اجتماعی، موزه ایران باستان، حس تعلق خاطر به مکان، معماری پارسی (هخامنشی)

\*این مقاله برگرفته از مطالعات پایان‌نامه کارشناسی مهندسی حرفه‌ای معماری، خانم شهلا صیادیان، در دانشگاه ملی مهارت، واحد دختران البرز، با عنوان "طراحی موزه ایران باستان با رویکرد ارتقای تعاملات اجتماعی" و با راهنمایی خانم مهندس مائده امیری رسکتی نگاشته شده است.

\*\*نویسنده مسئول: مائده امیری رسکتی

### -مقدمه

انسان‌ها در سراسیمگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت‌های ویژه هستند تا علاوه بر تامین آسایش و تعامل با هموعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند (عبداللهی، ۱۳۸۹). متأسفانه در دنیای ماشینی امروز، کمتر شدن ارتباطات اجتماعی بین افراد و روابط انسانی معضلی است که جامعه با آن مواجه است. این معضل؛ مشکلات دیگری همچون کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق خاطر افراد را نیز به همراه دارد. در صورتیکه انسان موجودی اجتماعی است و یکی از نیازهای اساسی وی، ارتباطات اجتماعی و در جمع بودن می‌باشد. پاسخ معمارانه به این نیاز، طراحی فضایی است که به‌عنوان بستری مناسب، امکان در جمع قرار گرفتن و تعاملات ناشی از آن را برای افراد فراهم آورد. برای آنکه تعاملی ایجاد شود، دو جنبه باید مورچه توجه قرار گیرد: یک جنبه؛ اثرگذاری فضا بر انسان و دیگری اثر انسان بر انسان. جنبه اول، شامل عوامل محیطی-کالبد و عملکرد می‌شود و جنبه دوم، فرهنگ و آداب و سنن اجتماعی را در بر می‌گیرد ( Qolambor Dezfuli & Naghizadeh, 2014). در اصل، فرهنگ و اجتماع و حتی نحوه زندگی افراد مهمتر از عامل فیزیکی است؛ زیرا درون تجربه زیستی انسان‌ها و فرهنگ حاکم بر آن‌هاست که فضای اجتماعی شکل می‌گیرد (Lefebvre, 1993). فضاهای فرهنگی (فرهنگسراها، موزه‌ها و ...)، به‌عنوان فضاهای عمومی بخش مهمی از این تعاملات را شامل می‌شوند. لذا طراحی مناسب و از پیش اندیشیده‌شده‌ی آن‌ها می‌تواند علاوه بر ارتقای تعاملات اجتماعی ناشی از آن، به ارتقای فرهنگی و افزایش حس تعلق خاطر افراد به این مکان‌ها را افزایش دهد. معماری، بستر و محمل روابط اجتماعی است و جهت ایجاد این ارتباط از نمادها و نشانه‌هایی بهره می‌گیرد. به میزانی که این نمادها، برای ذهن انسان آشنا باشد، می‌تواند پیام‌های مختلفی را به ذهن فرد متبادر نموده و تجربه این همانی را در او به وجود آورد. به طور مثال؛ هنگامی که از موزه ایران باستان هخامنشی صحبت می‌شود، این بنا می‌بایست دارای نشانه‌های آشنایی از معماری دوران هخامنشی باشد تا فرد با خواندن، شنیدن و دیدن خصوصیات معماری آن دوره، در فضایی که به‌عنوان موزه قصد نمایاندن آن را دارد، به صورت فیزیکی قرار گرفته و با درک ذهنی، عینی و فیزیکی فضا حس تعلق خاطر وی به آن محیط افزایش یابد و در مورد این حس ناب خویش، با دیگرانی که همچون وی در حال گذار و تماشای موزه هستند تعامل ایجاد کرده و اطلاعات را تبادل نماید، از این طریق هم به نیاز اجتماعی خود پاسخ داده، هم اطلاعات وی در خصوص درخشان‌ترین دوره تاریخی کشورمان افزایش یافته و هم حس حضور در فضایی مشابه آن دوران، می‌تواند خاطرات مثبتی را در ذهن وی ثبت نموده و فضا را برایش خاطره‌انگیز نماید.

### -روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و جمع‌آوری اطلاعات آن، از مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و بررسی پژوهش‌های پیشین انجام شده است.

### -پیشینه تحقیق

در راستای بررسی عوامل موثر بر افزایش حس تعلق خاطر به مکان و ایجاد تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و همچنین طراحی موزه‌ها بر اساس این امر، مطالعاتی صورت گرفته که در ادامه به بیان مهمترین آن‌ها پرداخته خواهد شد:

| ردیف | عنوان مقاله                                                                                                                      | نویسندگان          | سال  | نتایج پژوهش                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | بررسی تطبیقی معماری دوره پهلوی اول و دوم از منظر نشانه‌شناسی و معناشناسی، (مطالعات موردی: موزه ایران باستان و موزه هنرهای معاصر) | احمدی و آزاد احمدی | ۱۴۰۲ | نتایج پژوهش حاکی از آن است که؛ خوانش معماری موزه‌ها، از اهمیت قائل شدن و توجه به لایه‌های شاکله آن و معناسازی طرح بر طبق لایه‌های آن حاصل می‌شود و طراحان موزه‌های مورد بررسی در تلاش بوده‌اند که با عنایت و اهمیت به سطوح و لایه-های تشکیل‌دهنده موزه‌ها، در عین توجه به جنبه‌های کارکردی مطلوب، منعکس‌کننده مفاهیم زیباشناختی معماری ایرانی بوده و ضمن توجه به نیازهای کاربران، مفاهیم معماری ایران را |

|   |                                                                                                                                      |                                  |      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|---|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   | بازآفرینی کنند.                                                                                                                      |                                  |      |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| ۲ | تحلیل جامعه‌شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی، (مطالعه موردی: فرهنگسراهای شهر تهران)                         | سودمند و همکاران                 | ۱۴۰۱ | این پژوهش، به سه جریان اصلی با عنوان رویدادها و عملکردهای آگاهانه در فرهنگسرا، فرهنگسرا به‌عنوان منشا و خاستگاه قدرت اجتماعی و ساختار فیزیکی-معماری فرهنگسرا دست یافته و با کدگذاری محوری به هسته مرکزی بحث به‌عنوان نقش و جایگاه فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی دست یافته است.                                                                                                                                            |
| ۳ | تعاملات اجتماعی در محوطه‌های کارگری دوره هخامنشی و معماری شهرک‌های صنعتی نوین                                                        | مقتدر و همکاران                  | ۱۳۹۹ | نتایج پژوهش نشان داد که؛ اهمیت و نقش انسان در فضا، یکی از کارهای مهم در طراحی معماری شهرک‌های صنعتی، توجه به فضاهای تعامل‌پذیر است که اگر به درستی این امر در طراحی لحاظ شود، موجب رشد و توسعه اقتصادی آن شهرک صنعتی و به تبع در کل کشور خواهد شد.                                                                                                                                                                            |
| ۴ | بررسی سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی-معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی                                                                | عطار عباسی و همکاران             | ۱۳۹۹ | نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که؛ مولفه‌های کالبدی و معنایی تهی، در قالب پیوستگی فضایی، تمایلات اجتماعی میان افراد را در مکان‌هایی با کاربری غیررسمی افزایش داده است.                                                                                                                                                                                                                                                          |
| ۵ | بررسی کیفیت خدمات موزه‌ها از نگاه گردشگران و تاثیر آن بر رضایت و تمایلات رفتاری آنان، (مورد مطالعاتی: موزه-های مشروطه و قاجار تبریز) | رهبری پور و همکاران              | ۱۳۹۷ | هدف اصلی در بررسی، ابعاد کیفیت خدمات موزه‌ها از دیدگاه گردشگران و اهداف فرعی آن شامل تاثیر این ارزیابی‌ها بر رضایت و تمایلات رفتاری گردشگران است؛ که به همین دلیل ۵ فرضیه طرح شده (شامل: همدلی، عوامل فیزیکی، مسئولیت‌پذیری، تضمین و قابلیت اتکا) که نتایج بیانگر اثرات مثبت و معنی‌دار کیفیت خدمات و رضایت بر تمایلات رفتاری و تاثیر معنی‌دار کیفیت خدمات بر رضایت است.                                                      |
| ۶ | نهاد موزه، نگاهی دوباره به برآیند کالبد و محتوا                                                                                      | خسروی                            | ۱۳۹۶ | نتایج تحقیق نشان می‌دهد که؛ ضروری است که با نگاهی دوباره به ریشه‌های شکل‌گیری موزه، تعاریف و تحولات و وظایف حیاتی آن، به مثابه یک نهاد اجتماعی، موجبات پرداختن به طراحی کالبد و محتوای هر موزه، به منزله یک اثر معماری و پذیرای حضور مخاطبین تبیین شود.                                                                                                                                                                       |
| ۷ | برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایرانی و مدرن و تلفیق آن بر معماری فرهنگسراها                                                         | اسمعیلی سفیده‌خوان و جدیری عباسی | ۱۳۹۴ | نتایج پژوهش نشان می‌دهد که؛ از بررسی دو نمونه معماری ایرانی و معماری مدرن گرچه هر یک دارای الگوی خاص خود و به دوره معینی از تاریخ معماری خلق شده است، لیکن با ترکیب معماری ایرانی و مدرن و تلفیق آن در بناهایی مانند فرهنگسرا می‌توان تنوعی ایجاد کرد، لذا به وجود آوردن کانسپت‌های جدید و خلاقیت‌های طراحان خواهد افزود تا حجم‌های متنوع ایجاد شود و دارای یک وحدت حجمی خواهد شد که مورد پسند طراحان و عموم قرار خواهد گرفت. |
| ۸ | آسیب‌شناسی کیفیت طراحی فضاهای عمومی در معماری فرهنگسراها، (بررسی موردی:)                                                             | سادات شجاعی و دولابی             | ۱۳۹۴ | نتایج پژوهش حاکی از آن است که؛ از لحاظ جنبه‌های عملکردی نظیر کیفیت نفوذپذیری که به جذب افراد مرتبط است و کیفیت انعطاف‌پذیری فضا که اجازه‌ی انجام فعالیت‌های متنوع به کاربران فضا را می‌دهد، کیفیت طراحی فضاهای عمومی در فرهنگسرای                                                                                                                                                                                             |

|                                                                                                                                                                                                                                                                          |      |                        |                                                                        |   |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------------------------|------------------------------------------------------------------------|---|
| ایرانی سیر نزولی داشته است.                                                                                                                                                                                                                                              |      |                        | فرهنگسراهای نیاوران،<br>(دزفول و خاوران)                               |   |
| نتایج پژوهش حاکی از آن است که؛ وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربری-های تجاری، لابی، پیاده‌راه و همچنین نحوه طراحی با در نظر گرفتن فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی در شهرها، محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌شود. | ۱۳۹۳ | و<br>تبریزی<br>همکاران | اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع-گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی | ۹ |

جدول ۱: بررسی عوامل موثر بر افزایش حس تعلق خاطر به مکان و ایجاد تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و موزه‌ها، (ماخذ: نگارندگان؛ به نقل از منابع مذکور)

بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که؛ عوامل مختلف کالبدی، اجتماعی و فرهنگی بر افزایش تعاملات اجتماعی و حس تعلق خاطر به مکان در فضاهای عمومی تاثیرگذار است. این پژوهش در نظر دارد ضمن پرداختن به شاخص‌های کالبدی در ایجاد افزایش حس مکان بازدیدکنندگان از فضاهای فرهنگی، به حضور افراد در موزه‌ها و تداوم حضورشان در آن بپردازد.

## - مبانی نظری

### - تعاملات اجتماعی

تعاملات اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد. به عنوان نمونه؛ تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانش‌پور و چرخ‌چیان، ۱۳۸۶). تعاملات متقابل و رو در رو، شالوده اصلی همه شکل‌های کنش متقابل اجتماعی است. کنش متقابل روزمره به روابط و مناسبات ظریف میان آنچه در قالب کلمات بیان می‌کنیم و آنچه از طریق صور پرشمار ارتباط غیرکلامی به دیگران انتقال می‌دهیم، بستگی دارد. بنابراین؛ به طور کلی انواع مختلف کنش‌های متقابل اجتماعی را می‌توان به دو دسته ارتباطات کلامی و ارتباطات غیرکلامی (یا زبان بدن) تقسیم نمود (گیدنز، ۱۳۹۰). تعامل اجتماعی یک حیات جمعی است که فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور و آزادی بیان و ابراز آن‌ها در فضا است (Wyte, 1980). اما آنچه ما در جوامع امروزی شاهد آن هستیم کاهش سطح ارتباط افراد با یکدیگر است. چنانکه با افزایش اندازه، وسعت شهرها، سرعت تراکم، مدنیت، شهروندی و روابط اجتماعی به عنوان اصول اولیه شهری، تضعیف شده و به این ترتیب احساس جمعی اجتماع‌های محلی و وابستگی‌های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است (Huffman, 2006).

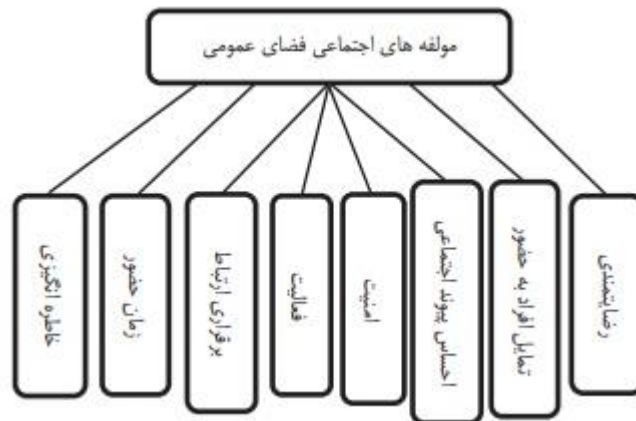
### - قرارگاه رفتاری یا مکان-رفتار

قرارگاه رفتاری یا مکان-رفتار، عنصری برای تحلیل محیط است و وابستگی دو مفهوم مکان و فعالیت را توضیح می‌دهد. در قرارگاه رفتاری، رابطه‌ای سازگار میان دو عنصر رفتار و مکان وجود دارد که (همساختی) نامیده می‌شود. همساختی بدین معناست که بدون مرتبط ساختن محیط کالبدی و رفتار انسان، یک مکان، رفتار تشکیل نخواهد شد. فضاهای شهری باید به گونه‌ای باشند که مناسب با گروه‌های سنی و جنسی مختلف، نیازها و رفتارهای آن‌ها باشند و همساختی بین محیط کالبدی و رفتار ایجاد گردد (فلاح و کلامی، ۱۳۸۷). کارمونا بر این باور است که فضاهای عمومی شهری، مکان‌ها و محیط‌های اجتماعی هستند که به عنوان سربازی برای رفتار و نمایش زمینه‌ای مشترک و خنثی برای تعامل اجتماعی اختلاط و ارتباط و مرحله‌ای برای معرفت اجتماعی، پیشرفت شخصی و تبادل اطلاعات عمل می‌کند (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع فضاهای

عمومی، با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی (ولو شکننده و ناپایدار) در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند. در مرحله بعد، پس از "انعقاد" اولیه تعامل اجتماعی، تفاوت‌های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است؛ خود زمینه‌ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (حسن پور و همکاران، ۱۳۹۷).

### -مولفه‌های اجتماعی فضا

مطالعات محیط و رفتار نشان داده‌اند که اندازه، جمعیت و تراکم مشخصه‌هایی هستند که بر نظام رفتاری کاربران در محیط انسان‌ساخت تاثیرگذار می‌باشند. علاوه بر این اندازه محیط بر کارکرد محیط به‌عنوان مکان رفتاری موثر است. طرح مکان رفتاری توسط بارکر مبنای قابل اعتمادی را برای بسیاری از مطالعات حوزه رفتاری فراهم آورده است. بر مبنای نظریه وی وابستگی متقابل مکان‌های رفتاری بر اساس درجه‌بندی میزان متغیرهای زیر، سنجش می‌گردد. کاربران مکان‌های رفتاری، اهداف مشابه مکان‌های رفتاری، فضاهای کالبدی همسان مکان‌های رفتاری، چیدمان مکان‌های رفتاری، واحدهای فعالیت همسان و معین، ابعاد و تناسب مکان‌های فعالیت، همزمانی با تطابق زمانی، همسانی مکانیسم‌های رفتاری در جریان، در مطالعه‌ی موردی پژوهش تبیین شده‌اند؛ در واقع متغیرهای مورد اشاره قابلیت بکارگیری به مثابه راهبرد را داشته؛ همچنین می‌توانند به مانند ابزاری در طراحی جهت کاوش و اندازه‌گیری راهکارهایی برای سنجش مکان‌های رفتاری و حدود آن‌ها مورد ملاحظه قرار گیرند. بارکر نیز موارد جمعیت، راهبری، همبستگی متقابل فضایی، چیدمان، فعالیت‌های پیوسته، شناخت و دریافت وابسته به زمان، مکانیسم‌های رفتاری را که به بیان دیگر، دارای قابلیت کلی نگرتری هستند به‌عنوان متغیرهای ارزیابی و سنجش مکان‌های رفتاری تبیین می‌نماید. ویکر به منظور بکارگیری روش‌های تحقیق متناسب و به منظور مطالعه مکان‌های رفتاری دو راهبرد اصلی را معرفی می‌نماید؛ نخست، مطالعه بلندمدت و عمیق نمونه موردی است که به‌عنوان یک مکان رفتاری در نظر گرفته می‌شود. منطبق بر این روش، در یک مکان رفتاری مولفه‌ها، تغییرات و نحوه فعالیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. راهبرد دوم فعالیت‌های اشخاص، تعاملات آن‌ها با دیگران در محیط مورد توجه بوده و بیشتر بر مطالعه اشخاص و کاربران مکان رفتاری تکیه دارد؛ که هر دو راهبرد همزمان نیز قابل استفاده می‌باشد. همچنین تاکید می‌گردد که مطالعه کاربران در محیط می‌باید بر اساس شناسایی واحدهای طبیعی صورت پذیرد که بر حسب شرایطشان از قابلیت، برای انجام برخوردار می‌باشند. ویژگی‌ها و برنامه‌های فردی، تمایزات فرهنگی از یکسو و ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی از سوی دیگر به‌عنوان کنترل‌گر در یک مکان رفتار تاثیرگذار می‌باشند. جمعیت استفاده‌کننده از مکان رفتار، پیوستگی‌های فضایی، نوع چیدمان، ابعاد فیزیکی، فعالیت‌های جاری، زمان انجام فعالیت‌ها و مکانیسم‌های رفتاری به‌عنوان متغیرهای ارزیابی معرفی می‌شوند. نوع فعالیت‌ها و الگوهای جاری رفتار، توسط سازماندهی فضای کالبدی تبیین و یا تقویت می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان محیط‌های کالبدی را تسهیل‌کننده (و یا بازدارنده) روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی دانست؛ که در کنار خصوصیات دیگر می‌توانند تبیین‌کننده قرارگاه‌های رفتاری باشند. مطالعه فضا بر اساس سازمان‌های فضایی انجام می‌گیرد، تجربه فضا در محیط با شاخص‌های مطروحه، یعنی گشایش فضایی، عمق بصری، ارتباطات فضایی همچنین سلسله مراتب فضایی خواهد بود که با متغیرهای اجتماعی رابطه مستقیم و نزدیک دارند بنابراین متغیرهایی نظیر کارکرد فضا، شاخص‌های اجتماعی و ساختار فضایی بر حسب چیدمان فضاها و مجاورت‌های فضایی تحلیل می‌گردد. در کنار آسایش فیزیولوژیکی و آرامش، که دسته‌ای از مولفه‌های موثر بر فضای کالبدی با رویکرد فیزیکی را تشکیل می‌دهد، نقش فعالیت‌ها و مولفه‌های معنایی نیز در خالی نبودن فضای جمعی موثر هستند. تعامل با دوستان و بستگان، قدم زدن، امکان فعالیت‌های جسمانی و دیدار رو در رو، امکان نشستن، تماشای فضاهای اطراف و حتی رفت‌وآمد مردم به‌عنوان فعالیت‌هایی که در یک فضای جمعی می‌تواند به‌عنوان متغیرهای جاذب افراد قلمداد شود. امکان خلق و طراحی مناظر و فرم‌های چشم‌نواز معمارانه و خلاق، امکان جذب بازدیدکنندگان به منظور تماشای طراحی معماری خاص و یا حتی طبیعت در پاسخ‌گویی به حس کشف فضایی، نقش مهمی را ایفا می‌کند (عطارد عباسی و همکاران، ۱۳۹۹).



تصویر ۱: مولفه های اجتماعی فضای، (ماخذ: عطار عباسی و همکاران، ۱۳۹۹)

### -ارتباط بین حس مکان و تعاملات اجتماعی

به طور کلی درباره خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه های مختلف باشد، دیدگاه های مختلفی وجود دارد از جمله می توان به دیدگاه های جین جیکوبز (Jacobs)، یان گل (Gehl)، آلن جاکوبس (Jacobs)، کوپر مارکوس (Cooper Marcus)، دونالد اپیلیارد (Appleyard) اشاره کرد. البته در مجموع، دیدگاه های فوق در یک نظر اجمالی عواملی چون اختلاط کاربری، سرزندگی، زیبایی بصری و نگهداری و مراقبت از فضا را به طور خاص و عوامل دیگری چون؛ راحتی کالبدی، امکان نشستن و توقف کردن، دسترسی مناسب و امنیت، تناسب و خوانایی، تنوع و همگانی بودن فضا را از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر حضورپذیری و تعاملات اجتماعی دانسته اند (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲).

فضا زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نموده و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم. هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می کند. این شناخت ها شامل؛ خاطرات، ایده ها، احساسات، دیدگاه ها، ارزش ها، ترجیحات، مفاهیم و ایده-آل های رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان اعم از ادراک و رفتار را به وجود می آورد. تعلق مکانی تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباط تنگاتنگ دارد. در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می کند که این امر هویت مکان نامیده می شود و در مرحله دوم، فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می گیرد و به شکل هویت مکانی مداوم می یابد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷). از دیدگاه روانشناسی محیطی انسان ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم ذات پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد، قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم ذات پنداری، روح یا حس مکان نامیده می شود که حاصل تعاملات اجتماعی است. از نظر روانی، حس مکان، عامل تعدیل کننده ای است که باعث تبدیل یک محیط به یک مکان می شود. روند تجربه عمیق مکان، نه به عنوان یک شی، بلکه به عنوان یک ارگانیزم زنده است که بعد از انطباقات متقابل پی در پی محقق می شود، از این رو، روابط بین افراد و مکان ها نیازمند ثباتی خاص است. محیط این ویژگی ها را از طریق ترکیب نظم طبیعی و بشری کسب می کند (Kjaersdam, 1998).

### -فضاهای فرهنگی و موزه ها

امروزه، "میراث فرهنگی مفهوم جدیدتری به خود گرفته است که عبارت است از آمیزه پیچیده ای از طبیعت، تاریخ، آداب و رسوم، زبان و سنت ها" (ری یل، ۱۳۸۴). "هیچ نوع میراثی بر میراث دیگر ارجحیت ندارد و برتر شمرده نمی شود؛ از این رو کلیه



دستاوردهای تمدن و تاریخ باید نگهداری و حفاظت شود. شیوه حفظ، نگهداری و نمایش میراث فرهنگی بسته به ظرفیت سایت، فرهنگ، امکانات و دانش موجود متفاوت است". موزه موسسه‌ای است دائمی و بدون هدف مادی، که درهای آن به روی همگان گشوده است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌نماید. هدف موزه‌ها، تحقیق در مورد شواهد به جای مانده انسان و محیط زیست او، گردآوری، حفظ و ایجاد ارتباط بین این آثار، به‌ویژه به نمایش گذاشتن آن‌ها به منظور بررسی و بهره‌وری معنوی است (نظری عدلی، ۱۳۸۹).

#### -ارتباط موزه‌ها و تعاملات اجتماعی

موزه‌ها و فضاهای فرهنگی نقش مهمی در معرفی ارزش‌ها و یافته‌های معنوی مردمان یک جامعه دارند. موزه به دلیل داشتن نمایشگاه‌های مختلف جهت کلکسیون و جمع‌آوری اشیا با ارزش‌های تاریخی، هنری، فرهنگی و ... محل نمایش و رفت‌وآمد افراد مختلف می‌باشد. در این حین این فضا بستریست جهت ایجاد تعاملات اجتماعی بین افراد.

#### -ویژگی‌های سبک پارسی

با توجه به آنکه در این جستار، راهکارهای معمارانه جهت طراحی موزه ایران باستان با ویژگی‌های اصیل معماری پارسی مدنظر می‌باشد؛ سبک هخامنشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از مهمترین ویژگی‌های شیوه پارسی (سبک هخامنشی) می‌توان به عوامل ذیل اشاره نمود:

-قرار دادن ساختمان بر روی سکو یا صفه، بلند نمودن سایت بنا از روی سطح زمین

-بکارگیری سنگ‌های پاک‌تراش به‌عنوان مصالح بوم‌آورد و موجود در منطقه دشت مرغاب، دامنه کوه رحمت

-استفاده از پلان نه‌بخشی یا نه‌قسمتی که به‌عنوان یک مدول و الگو در سرتاسر بنای تخت جمشید تکرار شده است.

-ابداع چهارباغ ایرانی برای اولین بار

-استفاده فراوان از ایوان ستون‌دار از نوع ستون‌آوند (فضای U شکل از سه طرف بسته، و از یک طرف باز)، جهت بهره‌گیری از طبیعت و چشم‌اندازهای موجود در چهارباغ

-آرایش دیواره‌ها با نقش‌های برجسته

-بکارگیری نمادهای خاص، همچون چلیپا، طرح کنگره‌ها و ...

-تزیینات حجاری و سنگ‌تراشی با مهارت بسیار

-استفاده از تیر چوبی و ابداع سقف تیرپوش (صاف)

-استفاده از ستون و سرستون‌های حجیم و کار شده

-وسعت و ارتفاع زیاد بنا جهت القای حس شکوه‌مندی و اقتدار پادشاه هخامنشی

-رعایت درون‌گرایی در فرم پلان

-استفاده از احجام راست گوشه و پلان‌ها مربع، مستطیل و مربع مستطیل

**-جمع‌بندی (ارائه پیشنهادات و راهکارهای معمارانه)**

در قسمت‌های قبل به این موضوع اشاره شد که؛ اگر موزه‌ها بر اساس ماهیت کارکردی خود و هدف ساخت‌شان طراحی شوند، می‌توانند حس این همانی و تعلق خاطر را در بازدیدکنندگان افزایش دهند. احساس تعلق خاطر نسبت به یک فضا، آن فضا را حضورپذیر می‌نماید و امکان مراجعه مجدد شخص را به بنا فراهم می‌آورد. لذا تعاملات اجتماعی؛ که خود بخش مهمی از اهداف کارکردی موزه‌هاست تقویت گردیده و ارتباطات اجتماعی در آن افزایش می‌یابد که این امر خود موجب پایداری اجتماعی در یک جامعه می‌باشد که از ارکان مهم یک جامعه موفق و سرزنده است.

در ادامه مواردی که موجب ارتقای تعاملات اجتماعی در فضاهای فرهنگی و موزه‌ها می‌شود، در قالب جدول ذیل بیان می‌گردد:

| پیشنهادات در جهت طراحی موزه با رویکرد تعاملات اجتماعی                                                                               |                                                                                                                                                                 |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نوع فعالیت‌ها در فضا                                                                                                                | طراحی فضاهایی که پاسخگوی نیازهای تمامی مراجعین به موزه با رده‌های سنی مختلف را داشته باشد.                                                                      |
| تراکم کافی جمعیت                                                                                                                    | بنا باید به گونه‌ای طراحی شود که جوابگوی حضور افراد در شلوغ‌ترین حالت ممکن آن باشد.                                                                             |
| طراحی مناسب فضای تحرک، پیاده و فراغت                                                                                                | طراحی سایت موزه باید دربرگیرنده فضاهای مناسب جهت حرکت پیاده بدون ایجاد گمراهی در مسیر و فضاهایی جهت اوقات فراغت باشد.                                           |
| توجه به ویژگی‌های کالبدی                                                                                                            | عواملی همچون؛ راحتی و آسودگی، دسترسی و نفوذپذیری، امنیت، جهت‌یابی صحیح، اتصال و ارتباط مناسب با بخش‌های مختلف، تنوع، جذابیت فضایی، دید و منظر مناسب، محصور بودن |
| طراحی فضاهای چندمنظوره و تنوع کاربری‌ها                                                                                             | -طراحی فضاهای مناسب آموزشی، تعاملی، جمعی، نمایشگاهی، خرید، فروش، سینما، رستوران، کافه و ...                                                                     |
| خوانایی فضاها و تمایز معمارانه                                                                                                      | -توجه به طراحی فرمیک موزه‌ها متناسب با اهداف کارکردی                                                                                                            |
| پیشنهادات در جهت طراحی موزه ایران باستان با رویکرد تعاملات اجتماعی و افزایش حس تعلق خاطر به مکان؛ مبتنی بر ویژگی‌های معماری هخامنشی |                                                                                                                                                                 |
| طراحی پلان                                                                                                                          | بکارگیری هندسه ساده، و استفاده از طرح مربع و مستطیل در پلان، عدم پخی در فرم پلان، استفاده از پلان نه‌بخشی، محور تقارن غالب، تناسبات بزرگ‌مقیاس                  |
| طراحی حجم                                                                                                                           | بکارگیری احجام راست گوشه                                                                                                                                        |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |                    |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|
| <p>حضور آب و گیاه در فضا، با الهام از الگوی چهارباغ ایرانی در کالبدی جدید، قرارگیری کل بنا بر روی یک بلندی یا صفه، ایجاد دید و منظر مناسب در محوطه، ایجاد فضاهای تعاملی در سایت، استفاده از پلکان، جهت ارتباط با بخش‌های مختلف سایت، پیوستگی در طراحی منظر سایت</p>                                                                                                                                                                                                                              | <p>طراحی سایت</p>  |
| <p>چرخش‌های راست‌گوشه عمودی و افقی در سیرکولاسیون فضایی گالری‌ها جهت ایجاد نفوذپذیری بالا، ایجاد گالری‌ها جهت نمایش آثار و در نظر گرفتن فضاهای تعاملی به منظور تبادل نظر افراد با یکدیگر در خصوص آثار هنری و فرهنگی، در نظر گرفتن فضاهای جمعی در داخل فضای موزه، چیدمان مناسب فضاها و تعیین مسیرهای مناسب و ساده جهت جلوگیری از گمراهی افراد، ارتفاع بلند فضاها تا حد معقول، استفاده از نمادها و نشانه‌های غالب دوران هخامنشی در فضا (اعم از طرح روی دیوارها، کف‌ها و سقف‌ها) با توزیع موزون</p> | <p>طراحی داخلی</p> |
| <p>-استفاده از مصالح سخت و ماندگار همچون سنگ‌های سفید که یادآور سنگ‌های پاک‌تراش هخامنشی باشد.<br/>-استفاده از رنگ‌های روشن<br/>-استفاده از شیشه، جهت شفافیت فضایی، شفافیت ماهیت اصلی معماری اصلی ایرانی‌ست.<br/>-استفاده از چوب در میلمان داخلی فضا</p>                                                                                                                                                                                                                                         | <p>مصالح</p>       |

جدول ۲: پیشنهادات در جهت طراحی موزه با رویکرد تعاملات اجتماعی و ایجاد حس تعلق خاطر به مکان، (ماخذ: نگارندگان)

### -نتیجه‌گیری

جهت پاسخگویی به نیاز انسان‌ها به تعاملات اجتماعی، نیاز به ایجاد بستر و شرایطی است که این تعاملات را تسهیل نموده و امکان حضور عامه افراد را در آن فراهم آورد. ضرورت انجام تعاملات اجتماعی، حضورپذیری فضاها، امکان مراجعه مجدد افراد به یک مکان، هویت و معنادار شدن یک فضا و خاطره‌انگیز بودن آن؛ همگی از دلایل ایجاد پایداری اجتماعی به مثابه مهمترین ویژگی یک جامعه سالم است. موزه‌ها به‌عنوان نهادهای فرهنگی محل مناسبی جهت شکل‌گیری این تعاملات می‌باشند. اگر در طراحی این فضاها، از نمادها و نشانه‌های معنادار که در ناخودآگاه جمعی افراد پذیرفته شده استفاده گردد، می‌تواند امکان حضور مجدد افراد به موزه را از طریق حس تعلق خاطر به فضا فراهم آورد. همچنین این امر می‌تواند موجب بازپروری فرهنگی، تاریخی و هنری دوره زمانی خاصی از تاریخ ایران گردد و میراث فرهنگی آن دوران را اشاعه دهد، و افراد را متوجه فرهنگ، هنر و تاریخ غنی این کشور نماید و موجب گردد طراحان، معماران و فعالان حوزه ساخت به در نظر گرفتن آیتم‌های اصیل معماری ایران در طرح‌های خویش توجه ویژه نمایند.

### -منابع و ماخذ

- ۱) احمدی، ادیب و آزاد احمدی، محمد، (۱۴۰۲)، "بررسی تطبیقی معماری دوره پهلوی اول و دوم از منظر نشانه‌شناسی و معناشناسی، (مطالعات موردی: موزه ایران باستان و موزه هنرهای معاصر)"، مجله هنر و تمدن شرق، سال ۱۱، شماره ۳۹
- ۲) اسمعیلی سفیده‌خوان، یاور و جدیری عباسی، محمد، (۱۳۹۴)، "برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایرانی و مدرن و تلفیق آن بر معماری فرهنگسراها"، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه، استانبول

- ۳) بهزادفر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان، (۱۳۹۲)، "شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مطالعه، سنندج"، نشریه باغ نظر، سال ۱۰، شماره ۲۵
- ۴) تبریزی، امید؛ مختاباد امرئی، مصطفی و فیضی، محسن، (۱۳۹۳)، "اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی"، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۷
- ۵) حبیبی، داوود؛ حبیبی، دیانا و کسالایی، افسانه، (۱۳۹۷)، "تبیین حس تعلق به مکان و هویت در فضاهای شهری با تاکید بر بازارهای سنتی"، مجله معماری‌شناسی، سال اول، شماره ۳
- ۶) حسن‌پور، آناهیتا؛ امیدواری، سمیه و صدر ارحامی، محمدحسین، (۱۳۹۷)، "بررسی عوامل موثر بر ارتقا تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری، (نمونه موردی: میدانچه جلفا-اصفهان)"، مجله معماری‌شناسی، سال اول، شماره ۵
- ۷) خسروی، مولود، (۱۳۹۶)، "خسروی، مولود، (۱۳۹۶)، "نهاد موزه، نگاهی دوباره به برآیند کالبد و محتوا"، نشریه صفا، دوره ۲۸، شماره ۸۰
- ۸) دانش‌پور، عبدالهادی و چرخچیان، الهام، (۱۳۸۶)، "فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات اجتماعی"، باغ نظر، دوره ۴، شماره ۷
- ۹) ری یل، باربارا، (۱۳۸۴)، "اکوموزه گمجینه زیست‌محیطی"، ترجمه: نسترن صدف‌زاده، مجله کندوج، سال ۱، شماره ۱
- ۱۰) رهبری‌پور، کسری؛ سالک، رقیه؛ پژوهان، موسی و قاسم‌زاده، بهنام، (۱۳۹۷)، "بررسی کیفیت خدمات موزه‌ها از نگاه گردشگران و تاثیر آن بر رضایت و تمایلات رفتاری آنان، (مورد مطالعاتی: موزه‌های مشروطه و قاجار تبریز)"، مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۳
- ۱۱) سادات شجاعی، امینه و دولابی، پویا، (۱۳۹۴)، "آسیب‌شناسی کیفیت طراحی فضاهای عمومی در معماری فرهنگسراها، (بررسی موردی: فرهنگسراهای نیاوران، دزفول و خاوران)"، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، امارات متحده عربی، دبی
- ۱۲) سودمند، نیلوفر؛ امام‌جمعه، فرهاد و شکر بیگی، عالیه، (۱۴۰۱)، "تحلیل جامعه‌شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی، (مطالعه موردی: فرهنگسراهای شهر تهران)"، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۴، شماره ۲
- ۱۳) فلاحت، محمدصادق و کلامی، مریم، (۱۳۸۷)، "تاثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان"، نشریه مدیریت شهری، دوره ۶، شماره ۲۲
- ۱۴) عطار عباسی، زهره؛ عینی‌فر، علیرضا؛ فروتن، منوچهر و سروش، محمدمهدی، (۱۳۹۹)، "بررسی ساز و کار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی-معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی"، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۹، شماره ۳۲
- ۱۵) عبداللهی، مجید، (۱۳۸۹)، "بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن"، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، تهران
- ۱۶) کارمونا، متیو و تیزدل، استیو، (۱۳۹۱)، "خوانش مفاهیم طراحی شهری"، تهران: انتشارات آذرخش
- ۱۷) گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، "جامعه‌شناسی"، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ۱۸) مقتدر، بهرام، اعتصام، ایرج و متین، مهرداد، (۱۳۹۹)، "بررسی تطبیقی معماری دوره پهلوی اول و دوم از منظر نشانه‌شناسی و معناشناسی، (مطالعات موردی: موزه ایران باستان و موزه هنرهای معاصر)"، نشریه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱۹
- ۱۹) نظری عدلی، شهاب، (۱۳۸۹)، "اکوموزه و اصالت حیات اجتماعی"، مجله منظر، شماره ۷

20) Huffman, R. (2006). The value of urban open space. urban land, 65(1):108-111.

21) Kjaersdam, f. (1988). "public participation in physical planning in Denmark". Journal of Architectural and planning research 5(2):163-172.

22) Lefebvre H (1993). The Production of Space, translated by Donald Nicholson Smith, Oxford University Press, Oxford.

23) Qalambor Dezfuli M, Naghizadeh M (2014). Urban Space Design to Promote Social Interactions, City Identity, Spring, No. 17, Vol. 8, pp. 15-24.

24) Wyte, W.H. (1980). The social life of small urban spaces. tuxido, Maryland